

عوامل مؤثر بر توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان

کسب سیف‌اله فضل‌الهی قمشی / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم fazlollahigh@yahoo.com

malekitavana.m@gmail.com

منصوره ملکی توانا / دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۲ قم

پذیرش: ۹۶/۲/۲

دریافت: ۹۵/۹/۲۵

چکیده

هدف این تحقیق، شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه معنویت و تحکیم ارزش‌های دینی دانش‌آموزان از دیدگاه دبیران، و روش تحقیق، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری، دبیران مدارس راهنمایی ناحیه ۲ آموزش و پرورش شهر قم و نمونه آماری ۶۰ نفر می‌باشد که براساس جدول مورگان به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته حاوی ۲۰ مؤلفه از نوع آرایش رتبه‌ای بود که پایایی آن مطابق آلفای کرانباخ معادل ۸۳ درصد تعیین گردید. تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی اطلاعات مطابق آزمون Z تک‌گروهی و تحلیل واریانس یک راهه (F) نشان داد: ۱. عوامل خانوادگی، آموزشگاهی و رسانه‌ای در توسعه معنویت و تحکیم ارزش‌های دینی و اعتقادات دانش‌آموزان تأثیر دارند. ۲. میزان تأثیر عوامل خانوادگی، آموزشگاهی و رسانه‌ای در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان متفاوت است. ۳. از دیدگاه دبیران، خانواده بیشتر از آموزشگاه و رسانه‌ها در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان تأثیر دارد. ۴. از عوامل خانوادگی، میزان پابندی پدر و مادر به انجام امور معنوی و شکل‌گیری مناسب آموزه‌های دینی در دوران کودکی؛ از عوامل آموزشگاهی، تأثیر دوستان و همسالان و شخصیت معلمان؛ و از عوامل رسانه‌ای، توجه به فرهنگ خودی در برنامه‌ها و پخش سریال‌های دینی و تاریخی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در توسعه و تحکیم ارزش‌های دینی شناخته شدند.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های دینی، راه‌کارها، دانش‌آموزان، توسعه معنویت.

مقدمه

درصد است با بررسی دیدگاه دبیران مدارس راهنمایی منطقه ۲ آموزش و پرورش استان قم فرایند توسعه و تحکیم معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان را شناسایی و اولویت‌بندی نماید. برای تحقق این مهم، در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی - پیمایشی کوشش شد با یک طراح پرورش‌نامه محقق ساخته حاوی ۲۰ مؤلفه از نوع آرایش رتبه‌ای و یک سؤال بازپاسخ، اطلاعات موردنیاز از یک گروه نمونه ۶۰ نفری که براساس جدول مورگان و به شیوه تصادفی - طبقه‌ای از بین دبیران شاغل به تدریس مدارس راهنمایی ناحیه ۲ آموزش و پرورش انتخاب شدند استفاده شود که پایایی آن براساس آلفای کراباخ معادل ۰/۸۳ به دست آمد. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و آمار استنباطی در حد آزمون Z تک‌گروهی و تحلیل واریانس یک طرفه (F) استفاده شده است.

بیان مسئله

تاریخ بیانگر آن است که اعتقادات دینی جزء لاینفک زندگی مردم در تمام اعصار بوده است. فرانکل (۱۹۷۵) بنیانگذار مکتب معنی‌درمانی می‌گوید: یک احساس مذهبی عمیق و ریشه‌دار در اعماق ضمیر همه انسان‌ها وجود دارد. یونگ در کتاب روان‌شناسی و دین می‌گوید: کاملاً متقاعد شده‌ام که اعتقادات و مناسک دینی، دست‌کم از لحاظ بهداشت روانی اهمیت خارق‌العاده‌ای دارند. نیومن و پارگامنت نقش‌های روان‌شناختی مهم و بی‌شمار مذهب را که در کمک به مردم برای درک و کنار آمدن با وقایع زندگی به کار می‌روند، توصیف نموده‌اند. بنابراین، باورهایی از قبیل توکل بر خداوند، صبر، دعا و... می‌توانند با ایجاد امید به نگرش‌های مثبت، موجب شوند فرد آرامش درونی پیدا کند. بنابراین، کسب موفقیت در زندگی، ایجاد آرامش و رفع اضطراب از نکات کلیدی در به دست آوردن نتیجه است. ﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸)؛ با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرند.

باورهای دینی، اعتقادات، عبادات، توکل، صبر و... برای دستیابی انسان به آرامش، موفقیت و کاهش اضطراب در ابعاد مختلف زندگی با توجه به فرهنگ و معارف اسلامی، از مؤثرترین روش‌هاست. تلاش برای تربیت و شکل‌گیری شخصیت افراد به‌ویژه نسل جدید، تحت تأثیر عوامل مختلف درونی، بیرونی و حتی عوامل فوق‌طبیعی قرار دارد. عوامل گوناگون مؤثر در تربیت، هر کدام در جای خود مهم و دارای درجه خاصی از تأثیر است. در این میان، خانواده، مدرسه و رسانه‌ها نقش برجسته‌تری نسبت به دیگر عوامل دارند. خانواده نخستین محل تعلیم و تربیت و عرصه آموزش برای تمام افراد است. اینجاست که بخش اعظم سلیق و علایق، شخصیت و الگوهای رفتاری افراد شکل می‌گیرد. مدرسه به عنوان مکمل خانواده، کانونی است که در آن افراد همراه با تعلیم و کسب معلومات، تربیت می‌شوند. در مدرسه نیز عوامل مختلفی وجود دارند که در امر تربیت مؤثرند؛ از قبیل برنامه‌های درسی، مواد آموزشی، سازمان مدرسه و امکانات آموزشی آن؛ ولی هیچ‌یک از اینها به اندازه معلم، به لحاظ آموزشی و تربیتی اهمیت ندارد؛ زیرا این معلم است که به همه آن عوامل جان می‌بخشد و آنها را سودمند و نتیجه‌بخش می‌گرداند. همچنین اوست که نسل‌ها را به همدیگر ارتباط می‌دهد، فرهنگ جامعه را حفظ می‌کند، و در صورت نیاز تغییر می‌دهد و تکامل می‌بخشد، به رفتار دانش‌آموز شکل می‌دهد و افراد موردنیاز جامعه را تربیت می‌کند. رسانه‌ها نیز با تولید برنامه‌های متنوع علمی، آموزشی، بازی و سرگرمی و... در مورد مسائل مختلف فردی و اجتماعی، در راستای ارتقای دانش، بینش و توانش سعی در توسعه و تحکیم ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی در بین اقشار مختلف، به‌ویژه نسل جوان، نوجوان و آینده‌ساز جامعه بخصوص ارزش‌های دینی و ابعاد اعتقادی دارند؛ امری که با توجه به فلسفه مسلط اجتماعی حاکم بر جامعه ما بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد. از این رو، محقق

آموزش عشق، محبت و عبادت به کودک لازم نیست؛ این ارزش‌ها در وجود او هست، باید حفظ گردد و پرورش یابد. پس جهت تربیت دینی در کودکان باید در مسیر زیبایی‌شناسی، ارزش‌پذیری، خویش‌شناسی، حرمت‌شناسی، حرمت‌گذاری، عزت‌طلبی و نوع‌دوستی و پذیرش مسئولیت‌های دینی و عمل صالح باشد. البته این حرکت بدون برانگیختن احساس دینی و تبلور نگرش‌ها و تحصیل تجارب دلنشین دینی میسر نیست. اگر معلم بخواهد ذهن بچه‌ها را با مفاهیم دینی پر کند نتیجه نمی‌دهد. به جای انبوه‌سازی دینی باید درصدد ایجاد بصیرت دینی بود. هدف اصلی در تربیت دینی به خاطر سپاری اصطلاحات و... نیست، بلکه پیدایش تغییرات اساسی در احساس، ارزش‌نگری و تقویت باورهای دانش‌آموزان در مورد خود، دیگران، پدیده‌ها، لطف و رحمت خدا و نظم جهان و... تا بتواند نحوه رفتار خود را تنظیم کنند. بنابراین، لازم است عوامل خانوادگی، آموزشگاهی و رسانه‌ای مؤثر بر توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان بررسی شود تا از این طریق، به نسل جوان اخلاق اسلامی را آموخت. پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان از دیدگاه دبیران ناحیه ۲ آموزش و پرورش شهر قم پرداخته است.

ادبیات تحقیق

دین و دین‌باوری

یکی از موضوعات مهمی که در روان‌شناسی علمی به عنوان یک پدیده تأثیرگذار بر شناخت‌ها و نگرش‌ها، هیجان‌ها و عواطف و رفتار و عملکرد انسان‌ها همواره مورد توجه روان‌شناسان قرار داشته، موضوع دین است (حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲، ص ۳۶). «دین» کلمه‌ای است عربی که در زبان‌های سامی مانند عبری و آرامی به کار رفته و به معنای قضاوت و جزا آمده است؛ در زبان عربی به معنای اطاعت، انقیاد و آیین و شریعت، یعنی وضع و تأسیس الهی که مردم را به

اسلام مکتبی است جامع و واقع‌گرا که در آن، به همه جوانب نیازهای انسانی اعم از دنیایی و آخرتی، جسمی و روحی، عقلی و فکری، احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی توجه شده است. دین اسلام همواره به عنوان یک دین کامل و جهانشمول، به تمامی زوایا یا ابعاد یک زندگی سالم اندیشیده و همه راه‌های منتهی به سعادت دنیا و آخرت را برشمرده است. یکی از مهم‌ترین دستگاه‌های فرهنگ‌ساز برای تربیت دینی نسل جدید، آموزش و پرورش است. امروزه گرچه تربیت دینی یکی از ارکان آموزش و پرورش است، اما احساس می‌شود علاقه به این ارزش‌ها کاهش یافته و مساجد به نحو مطلوب مورد استفاده جوانان قرار نمی‌گیرد. تربیت دینی صحیح در طول دوران ابتدایی و راهنمایی به عنوان یکی از عوامل مهم جلوگیری از ناهنجاری‌های رفتاری، رشد اندیشه دینی و تقویت باورهای اعتقادی فرد است. هنگامی که از نهادینه شدن تربیت صحیح سخن به میان می‌آید، منظور این است که کودکان به عنوان نسل فردا باید مسیر زندگی و اهداف خود را در بستر نظام اعتقادی جامعه مشخص کنند. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «فرزندان خود را بر روش‌های گذشته تربیت نکنید؛ زیرا آنها برای زمان دیگری خلق شده‌اند» (قائمی، ۱۳۷۱، ص ۳۶). انتقال مفاهیم به نسل جدید، به روش‌های جدید و همخوان با زمان نیاز دارد و در صورت بد عمل کردن و تأکید بر روش‌های سنتی در آموزش، ارزش‌ها به سادگی مورد بی‌توجهی نسل جدید قرار می‌گیرد و تمام تلاش‌ها بی‌ثمر می‌شود. اکتفای صرف به آموزش مسائل دینی و زنگ درس دینی برای ساختن نسلی معتقد به اصول اسلامی کافی نیست؛ این اعتقادات و باورها باید در لحظه‌لحظه حضور بچه‌ها در مدرسه در کنار درس‌ها به آنها آموخته شود، تا این ارزش‌ها در وجود آنها نهادینه شود. همه انسان‌ها بخصوص در دوران کودکی، فطرتاً به نیکی و زیبایی تمایل دارند؛ از این رو، باید فطرت پاک آنها شناخته شود و با ظرافت و حوصله جلوه‌های ذاتی و طبیعی در آنها آشکار گردد و در این صورت به تربیت دینی دست یافته‌ایم. از این رو،

و اجرای آن سعادت و خوشبختی دنیوی انسان، تأمین شود و هم مشتمل بر یک سلسله عقاید و اخلاق و عبادات باشد که سعادت آخرت را تضمین نماید و نظر به اینکه حیات انسان یک حیات مستمر و متصل است، هرگز جنبه دنیوی و اخروی از همدیگر جدا نمی‌شوند (همان).

جسیمز در تعریف روان‌شناختی دین، می‌گوید: «احساسات، اعمال و تجربیات افراد در هنگام تنهایی، آن‌گاه که خود را در برابر هر آنچه که الهی می‌نامند، می‌یابند» (همان، ص ۴۰). در تعریف دیگر، دین مجموعه‌ای از باورها، اعمال، شعائر و نهادهای دینی که افراد بشر در جوامع مختلف بنا کرده‌اند، توصیف می‌شود (سرمدی، ۱۳۸۵، ص ۶۰).

در تعریف دیگری، اسپنسر می‌گوید: دین اعتراف به این حقیقت است که کلیه موجودات تجلیات نیرویی هستند که فراتر از علم و معرفت ماست. و یا دین پاسخی است «به ندای الهی» (سرمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۶؛ هیک، ۱۳۷۲، ص ۴۶). کانت هم می‌گوید: «دین قانون و جود ماست، در حدی که سلطه‌اش بر ما از قانونگذار و داوری ناشی می‌شود؛ دین اعمال اخلاق در قلمرو معرفت برای تعالی است، اگر دین با اخلاق پیوندی نداشته باشد، تنها به کوشش برای جلب حمایت تبدیل می‌شود» (شکوهی، ۱۳۷۴، ص ۷۲).

آنچه مسلم است، دین تأثیرات عمیق و گسترده‌ای در تبلور شخصیت افراد و اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی ایشان دارد و این نوع کارکرد دین یا تأثیرات دین‌داری، فقط مخصوص دین اسلام نیست؛ زیرا به گزارش دانشمندان علوم اجتماعی، «دین به هرگونه که باشد هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که دین در آن نقش مهمی نداشته باشد. دین نه تنها به جهان معنا می‌بخشد، بلکه الگویی برای جهان به گونه‌ای رمزی فراهم می‌سازد؛ یعنی طرحی از آنچه که جهان باید باشد به دست می‌دهد. برای همین است که دین می‌تواند راهنمایی برای رفتار بشر از روابط خانوادگی گرفته تا ایدئولوژی‌های گروه‌های اجتماعی و حاکم فراهم سازد و این کار را نیز غالباً انجام می‌دهد» (بیتس، ۱۳۷۵، ص ۲۳).

رستگاری هدایت می‌کند و شامل عقیده و عمل هر دو است؛ مانند دین اسلام و... آمده است (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵، ص ۳۹). به عبارت دیگر، دین به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس، و شریعت، مذهب، ورع و پاداش، انقیاد و خضوع، و پیروی، تسلیم جزاست (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۹). در اصطلاح، عبارت است از: اعتقاد به قوای لاهوتی و ماورای طبیعی و رعایت سلسله قواعد اخلاقی، حقوقی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در زمینه ارتباط با خود، خدا، سایر بندگان و انجام مناسک عبادی در جهت تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح (همان).

دین از نظر منطق قرآن یک روش زندگی اجتماعی است که به منظور سعادت ابدیه و نجات سرمدیه انسان به صورت قوانین و مقررات هماهنگ با تکوین، برنامه‌ریزی شده است. علامه طباطبائی می‌نویسد: «دین الله سبحانه هو تطبیق الانسان حیاته علی ما تقتضیه قوانین التکوین و نوامیسه حتی یقف بذلک موقفا تتحره نفسیه النوع الانسانی»؛ دین خداوند متعال، تطبیق‌دهنده حیات انسان با قوانین تکوین و توسعه او به همان‌گونه که لازم است تا زمانی که به وسیله آن آسایش روانی نوع انسان تعیین و شناخته شود (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵، ص ۴۱).

حیات طبیعه که قرآن برای انسان ترسیم می‌کند حیاتی است جاودانی که با مرگ قطع نمی‌شود و در نتیجه، انسان باید روشی را در زندگی اتخاذ نماید که هم به درد این سرای گذران و هم به درد آن سرای جاودان بخورد، راهی را برود که وی را به سرمنزل سعادت دنیا و آخرت برساند؛ این روش، همان است که قرآن به نام دین می‌نامد (همان). این همان روشی است که از نیروی عمومی و اعتقادی کلی دستگاه آفرینش الهام و سرچشمه می‌گیرد. دین از نظر منطق قرآن یک روش زندگی اجتماعی است که انسان اجتماعی به منظور تأمین سعادت زندگی اتخاذ نموده است، اما نظر به اینکه زندگی انسان محدود به این جهان پیش از مرگ نیست، این روش باید هم مشتمل بر قوانین و مقرراتی باشد که با اعمال

مسئولیت نسبت به دیگران، خوش رفتاری و پرهیز از سوءظن و آزار دیگران، بهره بردن از دنیا و آبادانی، حفظ محیط‌زیست، آزار نرساندن به حیوانات، تقوا، مراقبت، توبه، نوسازی خویشتن، محاسبه اعمال، عزت نفس، صبر و پایداری، تفکر و تعقل، و پرهیز از خودبینی (آذربایجانی و موسوی‌اصل، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸-۱۱۶). عوامل فوق، در ۱۰ حوزه «رابطه انسان و دین، انسان و خدا، انسان و آخرت، اولیای الهی، اخلاق فردی، روابط اجتماعی، معیشت، خانواده، ابعاد جسمی و انسان و طبیعت» طبقه‌بندی شده‌اند (همان، ص ۱۱۷). در الگوی دیگری، جهت‌گیری‌های مذهبی یا دینی در پنج مقوله کلی رابطه انسان با دیگران (مانند عفت، حلم و مدارا، رازداری، صداقت، عدالت، مسئولیت، خوش رویی و شادابی)، رابطه انسان با خدا (مانند ذکر و عبادت، اخلاص، رضا و جهاد)، رابطه بین انسان و خویشتن (مانند مراقبت، محاسبه و ارزشیابی مداوم خود نسبت به خود، و توبه)، رابطه انسان با دنیا (از جمله تقوا، زهد و سازندگی) و رابطه انسان با آخرت (مانند ایمان به آخرت، شوق به آخرت، و هول مرگ) تفسیر می‌شود (سالاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۴۹۷-۵۰۰). در رویکردی دیگر، ایمان در اصول دین و عقاید، فروع دین و اخلاقیات تقسیم‌بندی می‌شود (همان، ص ۴۹۴). امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ وَ الْبِقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹-۱۱۰)؛ ایمان بر روی چهار ستون استوار است: صبر و شکیبایی، یقین و باور، عدل و داد و جهاد و کوشش در راه دین.

عوامل مؤثر در توسعه معنویت و تحکیم اعتقادات و ارزش‌های دینی

۱. معلم به جهت اینکه مستعدترین افراد به لحاظ ذهنی و پاک‌ترین آنها به لحاظ قلبی و روحی و عاطفی، یعنی کودکان دوره‌های ابتدایی، نوجوانان و جوانان دوره‌های متوسطه را در اختیار دارد؛ و همچنین به دلیل اینکه وقت زیادی از بچه‌ها را در اختیار دارد و مهم‌تر از همه عهده‌دار آموزش و تعلیم آنان

در این بین، پناه بردن به درون و اعتقادات قلبی می‌تواند بسان یک داروی معجزه‌آسا، نه تنها تحولی پویا و موفق ایجاد نماید، بلکه با استعانت از نیروهای بسیار قوی درونی و اعتقادی، علاوه بر معنی بخشیدن به تلاش و کوشش هدفمند و فوق‌مادی که در آن موفقیت و شکست هر دو معنی و حدود و الایی دارند، با توکل به خداوند متعال و امدادهای الهی و یاری جستن از حق تعالی و یقین داشتن به موفقیت در اثر تلاش، ضمن کاهش هیجانات کاذب و اضطراب، موجب افزایش نیل به موفقیت و کاهش تنش شکست و ناکامی شده و فرد را برای توفیقات بیشتر تقویت نماید. این همان نقش روان‌شناختی و نیروی انگیزشی درونی است که بدون هیچ هزینه و به‌کارگیری مری و روان‌شناس، در دسترس جوانان مؤمن و معتقد به باورهای دینی است که با توسعه و تحکیم آن، می‌توان در عملکردها، معجزه کرد.

معیارهای دین‌باوری

برای دین‌باوری، معیارها و شاخص‌های مختلفی در منابع ذکر شده است. در معیارهای مستخرج از آیات و روایات، عواملی نظیر آنچه در ذیل می‌آید، ذکر شده است: معرفت خدا و ایمان به خدا، توکل به خدا، امید به خدا و محبت او، پرستش و پیروی از او و یاد خدا، شکرگزاری، تلاوت آیات قرآنی، اخلاص، حسن ظن به خدا، احساسات معنوی، همچون اعتقاد به پاداش بهشت، ایمان به حیات پس از مرگ، ترجیح سعادت اخروی به سعادت دنیوی، اعتقاد به نتایج اعمال، جاودانگی روح، شوق بهشت و ترس از دوزخ، اعتقاد به نبوت و امامت، محبت، الگو بودن اولیای دین، پیروی از اولیای دین، شناخت امام، رعایت شعائر دینی، نگه‌داشتن حرمت مکان‌ها و اشیای مقدس، سعادت در دین، رعایت حدود و احکام الهی، اعتقاد به کتب آسمانی، پرداخت زکات و خمس و حمایت از مؤمنان، مراقبت از سلامت خود، تعدیل غرایز، رعایت پاکیزگی و طهارت، میانه‌روی در معیشت، راستی، وفاداری، امانت‌داری، عفت و پاکدامنی، دعوت به خیر، مردم‌آمیزی، رعایت حقوق دیگران، احساس

ج) با رفتار درست و مطابق گفتار، نه تنها مقبولیت و اعتبار خود را نزد دانش‌آموزان بالا ببرند، بلکه پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود پردازند و در مقام تربیت دیگران، پیش از تربیت به زبان، به تربیت با عمل همت گمارند (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۵۶).

د) با دین‌داری، گشاده‌رویی و خوش‌رویی، خلق نیکو، تواضع و احترام به دانش‌آموزان، زهد و بی‌رغبتی به دنیا و آراستگی و زیبایی ظاهری محبوبیت خود را نزد دانش‌آموزان افزایش دهند. معلم باید حتی الامکان از تنبیه و برخورد تند و خشونت‌آمیز با دانش‌آموز اجتناب ورزد؛ زیرا روان‌شناسی جدید بر این عقیده است که نوجوان در رشد و تکامل اجتماعی خود، از چگونگی ارتباط و علاقه‌اش نسبت به معلمان و میزان نفرت یا محبت خود به آنها متأثر می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۵۶۷).

یافته‌های روان‌شناسان نشان می‌دهد که «هرچه مخاطبان نگاه مثبت‌تری به گوینده داشته باشند، ارتباط را مثبت‌تر ارزیابی می‌کنند و احتمال بیشتری دارد که نگرش خود را مطابق نظر گوینده تغییر دهند» (تیلور و دیگران، ۲۰۰۰، ص ۱۴۸). همچنین روان‌شناسان در تبیین رابطه میان محبوبیت و تأثیرگذاری می‌گویند: «از آنجا که انسان‌ها تلاش می‌کنند شناخت‌هایشان با احساساتشان هماهنگ باشد، نگرش خود را به احتمال زیاد برحسب نگرش‌های کسانی که دوست دارند، تغییر می‌دهند» (همان).

محبوبیت معلم دو کارکرد مهم دارد: نخست آنکه به معلم امکان می‌دهد در لایه‌های درونی شخصیت دانش‌آموزان نفوذ کند، و دوم آنکه تأثیرگذاری تربیتی معلم را آسان می‌نماید. تحقیقاتی که در مورد میزان علاقه دانش‌آموزان به درس دینی انجام شده (سادئی، ۱۳۷۴، ص ۷۲۵)، نشان می‌دهد که میزان علاقه دانش‌آموزان به دبیر دینی رابطه مستقیم و مثبتی با میزان علاقه آنان به این درس دارد (داودی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰-۱۸۲).

ه) معلمان با انتخاب شیوه مناسب در بیان آموزه‌های دینی به شکل ساده، رسا و قابل فهم، آموزه‌های دینی را تحکیم بخشند (همان، ص ۱۸۲-۱۸۴).

است؛ می‌تواند نقش بسیار ممتازی در تربیت دینی آنها ایفا نماید. او می‌تواند از فرصت‌های متعددی که در حین درس دادن برایش فراهم می‌شود، استفاده کرده، عقاید اسلامی را درست تبیین نماید و باورهای نادرست و خرافاتی را که در اذهان بچه‌ها از طریق خانواده، یا محیط بیرون نقش بسته، از اعتقادات اسلامی جدا کند. او می‌تواند با تفکیک مسائل دینی از غیر آن، عقاید آنها را پالایش کند. او حتی وقتی فیزیک، شیمی، ریاضی، زبان خارجی، ادبیات و دیگر مواردی که ربطی به دین ندارد تدریس می‌کند، نیز می‌تواند در ضمن آنها در فرصت‌های مناسب به تبیین معارف دین پردازد.

۲. معلمان با شناسایی دقیق موانع ایمان از یک طرف و درک روحیه دانش‌آموزان از سوی دیگر، می‌توانند تدابیری را برای از میان برداشتن آن موانع بیندیشند و زیرکانه و ماهرانه آنها را اجرایی نمایند. آنان می‌توانند از روش پیامبران و امامان برای موفقیت نسبی در این وظیفه سنگین و خطیر، و همچنین برای درک بهتر روحیات دانش‌آموزان از دستاوردهای روان‌شناسان، کمک بگیرند. معلمان در این زمینه، می‌توانند:

الف) با بیدار کردن فطرت‌های پاک و مستعد و به فعلیت رساندن آنها، روحیه حق‌گرایی (بیدار کردن فطرت الهی) دانش‌آموزان را افزایش داده و ایمان‌آفرینی کنند. خداوند در قرآن برای تقویت روحیه حق‌گرایی و جلوگیری از تأثیر عوامل منفی، انسان‌ها را از ماهیت روحیه حق‌گرایی و چگونگی تأثیرپذیری آن از شرایط بیرونی آگاه کرده است. این آگاهی از یک‌سو، موجب می‌شود خود انسان در برابر عوامل منفی، اعم از درونی و بیرونی، موضع‌گیری کند و مانع تأثیر آنها شود. از سوی دیگر، باعث می‌شود انسان در ارزیابی اعمال و رفتار خود به این موضوع توجه بیشتری نماید (داودی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۲).

ب) با تقویت قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل در بین دانش‌آموزان از طریق هماهنگی بین گفتار و کردار و تطبیق گفتار با نیازهای جامعه، ذهنیت مثبت در آنان ایجاد نمایند و قدرت تفکر را رشد دهند. اگر این افراد قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل داشتند، از بزرگان‌شان پیروی کورکورانه نمی‌کردند تا دچار بدبختی شوند (همان، ص ۱۷۵).

می‌شود (رحمان دوست، ۱۳۷۱، ص ۲۱). خانواده‌های بی‌مذهب و ضد مذهب خانواده‌هایی هستند که یا نسبت به تربیت مذهبی فرزندان غافل و بی‌تفاوت هستند و یا اینکه نسبت به آن نگرش منفی دارند. بنابراین، نیازی به ارتقای افکار و اعتقادات دینی فرزندان خود توسط آموزش‌های دینی نمی‌بینند؛ اما خانواده‌های مذهبی دوست دارند فرزندان خود را با مفاهیم دینی و مذهبی دمسخور سازند، و اعتقادات و باورهای مذهبی را به فرزندان منتقل نمایند. این خانواده‌ها تلاش می‌کنند در تربیت فرزندان خود تا آنجا که ممکن است دستورالعمل‌های دینی و اعتقادی را در فرزندان خود نهادینه سازند و برای توفیق در تربیت دینی، سؤالات زیادی دارند و به منابع مختلفی رجوع می‌کنند، نگران وضعیت اعتقادی فرزندان خود می‌باشند و تلاش می‌کنند با آموزش مفاهیم دینی و وادار ساختن فرزندان به پیروی از آنها، سعادت‌مندی را برای آنها به ارمغان بیاورند و بخشی از حقوق آنها را تأمین نمایند. خانواده‌ها می‌توانند به شکل‌های مختلف در تحکیم ارزش‌های دینی فرزندان مؤثر باشند. در زیر، به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

۵. تفاهم اعتقادی بین والدین با فرزندان، که از آن به جو یا بافت عاطفی خانواده تعبیر می‌شود، در انتقال مفاهیم تربیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است. تحقیقات روان‌شناسان اجتماعی، آسیب‌شناسان روانی، آسیب‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان (کی‌نیا، ۱۳۵۷، ص ۲۷). همگی بر این نکته مهر تأیید می‌زنند که کج رفتاری‌ها و انحرافات اجتماعی در انسان‌ها به میزان زیادی ریشه خانوادگی دارند و حتی یکی از راه‌های پیش‌بینی رفتارهای بزهکارانه را روابط خانوادگی دانسته‌اند. رابطه بین زن و شوهر، بر بهداشت روانی مجموعه خانواده تأثیر می‌گذارد و در این مجموعه فرزندان شکننده‌ترند. در محیط گرم و دوستانه خانوادگی که در آن پدر، مادر و اعضای دیگر خانواده دارای روابطی دوستانه و صمیمانه‌اند، معمولاً کودکانی شاد، سالم، با شخصیتی فعال و مثبت و مستقل بار می‌آیند، که بازتاب عشق و علاقه خانوادگی را به صورت محبت و کمک به دیگران نشان می‌دهند. بعکس، در محیط‌های

(و) با ایجاد فضایی باز برای طرح سؤالات دانش‌آموزان و ارائه پاسخ مناسب، شبهات دینی آنان را برطرف نمایند.

۳. روان‌شناسان معتقدند که کودک در مسیر رشد طبیعی، روند اجتماعی شدن را از طریق همانند کردن خود با والدین و بزرگسالان دیگر طی می‌کند. او از طریق مشاهده رفتار دیگران، سعی در یادگیری و تقلید الگوهای رفتاری جدید داشته، بر آن است تا شخصیت خویش را با دیدگاه‌ها و ارزش‌های افراد مهم در زندگی خویش همانند سازد. در این ارتباط، مهم‌ترین منبع همانندسازی کودک در سنین مدرسه، بعد از والدین، معلم است. رفتار معلم و همچنین ظاهر او، شبیه به پدر و مادر کودک می‌نماید و کودک چنان با معلم خود انس می‌گیرد که گویی یکی از والدین او است. گاهی این وضعیت تا بدان جا گسترش می‌یابد که کودک معلم خود را برتر از والدینش می‌یابد؛ چراکه او هم فرشته محبت است و هم مظهر دانایی و آگاهی. از این رو، ویژگی‌ها و صفات شخصیتی معلم نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت کودکان ایفا می‌کند.

کودک با پذیرش رفتارهای معلم به عنوان الگو و سرمشق، هویت اجتماعی متزلزل خویش را استحکام می‌بخشد. اگر شخصیت معلم دارای صفات انسانی از قبیل مهرورزی، نوع دوستی، درست‌کاری، همکاری، خویشتن‌داری و ایمن باشد، طبعاً تقلید چنین ویژگی‌هایی، سلامت روانی کودک را تضمین خواهد کرد. ولی اگر شخصیت معلم دچار اختلال و نابسامانی باشد؛ یعنی رفتارهایی خلاف هنجارهای فرهنگی و اجتماعی از او سرزند یا فاقد صفات انسانی باشد، در چنین وضعی، همانندسازی کودک با معلم، حاصلی جز رفتارهای نا بهنجار و اختلالات نخواهد داشت (عظیمی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۱).

۴. خانواده‌ها را از نظر ساختار و نوع روابط درونی بین اعضا به چند نوع تقسیم کرده‌اند. مثلاً، جامعه‌شناسان از خانواده‌های گسترده و هسته‌ای نام می‌برند یا روان‌شناسان از خانواده‌های با اقتدار، قدرت‌طلب و سهل‌انگار یاد می‌کنند. نوع دیگر طبقه‌بندی زمانی است که ملاک طبقه‌بندی مباحث اعتقادی و دینی است؛ در این حالت، از خانواده‌های مذهبی، خانواده‌های بی‌مذهب و خانواده‌های ضد مذهب نام برده

نیز استفاده توأمان از مهر و قهر می‌تواند بسیار مثرتر باشد. ۹. والدین باید بدانند که همه انسان‌ها دوست دارند جدی گرفته شوند و ارزشمند تلقی شوند. کودکان و نوجوانان نیز از این قاعده مستثنا نیستند. والدین می‌توانند با استفاده از زمینه‌های تشخیص‌طلبی در جمع‌های خانوادگی، به طور غیرمستقیم به ارزش‌های مذهبی و رفتارهای معنوی اشاره کنند تا فرزندان به شعائر مذهبی نگرشی مثبت پیدا کرده، نسبت به انجام آنها اصرار بیشتری داشته باشند.

۱۰. والدین باید بدانند که معاشرت‌ها به همان‌گونه که عامل مصونیت اخلاقی هستند، در مواردی عامل فساد و انحراف می‌گردند. اگر شرایطی فراهم شود که نوجوان با دوستان و معاشران مذهبی و تربیت‌یافته همدم شود، بخش مهمی از راه طولانی و عظیم تربیت مذهبی او طی خواهد شد. نقش گروه همسالان در سه مرحله از دوران حیات، از نقش پدر و مادر هم بیشتر است؛ از جمله در سنین نوجوانی و بلوغ؛ چه بسیار که خود را کاملاً با دوستان خود همگن می‌کنند و بر اساس آن، یا ساخته و پرداخته می‌شوند و یا خاندان نبوت خود را گم می‌کنند (قائمی، ۱۳۷۱، ص ۳۶). شرایط تأثیرگذاری گروه همسالان در جریان رشد یکسان نیست؛ یعنی این تأثیرگذاری در دوران کودکی کمتر و در دوران نوجوانی بیشتر است. اگر والدین در دوران کودکی از فرزندان خود مراقبت بیشتری کنند و مواظب دوستان و رفقای آنان باشند، می‌توان گفت که بعدها نوجوانان آنان دوران کسم‌دردسری را پشت سر خواهند گذاشت و از اضطراب‌ها و نگرانی‌های کمتری رنج می‌برند.

۱۱. والدین، آگاه هستند که درک و فهم کودک نسبت به مسائل مذهبی بسیار محدود است و به همین علت، او دایم در زمینه‌های گوناگون به سؤال و پرسش می‌پردازد تا دامنه اطلاعات خود را وسیع‌تر سازد. آنچه مهم است، دادن پاسخ به سؤالات است که باید درست و قانع‌کننده باشد. موفقیت در این امر، بسته به آن است که والدین و مربیان، خود اعتقادات و اطلاعات روشنی داشته باشند و به آنچه که می‌گویند مؤمن باشند.

خانوادگی از هم‌پاشیده و زندگی در محیط‌های آلوده و منحرف‌کننده، عدم مراقبت و بی‌توجهی والدین به امر تربیت فرزندان، اساس نابهنجاری‌ها را در آنها پایه‌ریزی می‌کند که این امر در نوجوانی و جوانی شدت بیشتری می‌یابد.

۶. والدین در انتقال ارزش‌ها نقش الگو را بازی می‌کنند. دلایل متعددی وجود دارد که کودک برای فراگیری ارزش‌ها و رفتارهای والدین برانگیخته شوند. عمل الگو بسیار تأثیرگذارتر از بیان الگو است. بنابراین، اگر خانواده‌ها رفتارهای مذهبی را برای فرزندان خود می‌پسندند، ابتدا خود باید الگوی عملی باشند. اگر به نماز، قرائت قرآن و حجاب فرزندان خود علاقه‌مندند، ابتدا خود باید به نماز، قرائت قرآن و حجاب عملاً اهمیت بدهند. والدین آن‌گاه در تربیت دینی توفیق می‌یابند که خود به آنچه می‌گویند عامل باشند.

۷. در آموزش‌های اسلامی، تفکر یکی از فعالیت‌های بسیار ارزشمند تلقی می‌شود، به نحوی که یک ساعت تفکر برتر از هفتاد سال عبادت دانسته شده است؛ یا خواب عاقل را بهتر از بیداری جاهل دانسته‌اند. این تأکیدها برای این است که انسان جاهل به راحتی نمی‌تواند از اعتقادات خود دفاع کند. لازم است که فرزندان خود را نسبت به علت انتخاب رفتار هشیار سازیم و از آنها بخواهیم دنبال استدلال باشند و تلاش کنند به عمق معانی و مفاهیم رجوع کنند، رفتارها را در نظر بگیرند، سؤال بپرسند و همواره در جهت ارتقا و افزایش دانش و اطلاعات خود بکوشند. البته در این میان نباید از نقش مشوق‌های والدین غافل شد. صبر، حوصله و دانش والدین در این میان بسیار اساسی است.

۸. تحقیقات روان‌شناسی نشان داده است که از بین عواملی نظیر شباهت، قدرت و صمیمیت، عامل صمیمیت تأثیری قوی‌تر بر جای می‌گذارد (اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۸۳، ص ۹۷). ایجاد صمیمیت و رابطه محبت‌آمیز موجب می‌شود که فرزندان از والدین و درخواست‌های آنان متابعت کنند؛ زیرا می‌ترسند که در غیر این صورت عشق و علاقه آنان را از دست بدهند. بنابراین، با استفاده از علایق خانوادگی، اعلام جهت، نشان دادن رحمت و عنایت، تحریک عواطف و گاهی

نشان داد: یکی از راهبردهای کارآمد و مؤثر برای مقابله با موفقیت‌های فشارزا، راهبرد مقابله معنوی است. این راهبرد، علاوه بر شکل‌دهی هویت مذهبی، در رسیدن به یک فلسفه پایدار کمک می‌کند.

دین‌باوری در کنار روش‌های درمانی نوین، به عنوان یک داروی شفابخش توسط درمانگران در درمان بیماری‌ها مورد استفاده و سنجش قرار می‌گیرد؛ بخصوص در شرایطی که بسیاری از پزشکان و روان‌شناسان از ناکافی بودن موفقیت‌های درمانی خود، حتی در جوامع غربی گله دارند، یافته‌ها نشان می‌دهد نظام ارزشی افراد در مواجهه با مشکلات جسمی و روانی تأثیر انکارناپذیر دارد و می‌تواند در جریان درمان مورد استفاده قرار گیرد (لطف‌آبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹).

مطالعه اعتقادات مذهبی و میزان امیدواری حبیب‌ها دیان‌فر و همکارش (همان، ص ۱۲۲) نشان داد: امیدواری یکی از سازه‌های مهم در روان‌شناسی مثبت‌نگر است و عقاید مذهبی تأثیر مثبتی بر احساس رضایت از زندگی و سطح امیدواری دارد که با اجرای پرسش‌نامه معبد برای مطالعه اعتقادات مذهبی و مقیاس امیدواری اسنایدر برای سنجش وضعیت امیدواری بر روی تعداد ۷۵ دانشجوی دختر و پسر دانشکده علوم دانشگاه شیراز به دست آمد.

تحقیق دیگری که توسط فضل‌الله یزدانی و حسین آزاد تحت عنوان «بررسی رابطه بین نگرش دینی و سبک‌های مقابله‌ای و شادکامی روحی» بر روی ۳۶۱ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی مناطق پنج‌گانه شهر اصفهان انجام شد، نشان داد بین شادکامی، نگرش دینی و سبک‌های مقابله‌ای کارآمد و سبک مراجعه به دیگران، در سطح ۰/۹۹ رابطه معنی‌دار و مثبت، و بین شادکامی و عوامل آن با سبک مقابله‌ای ناکارآمد رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد.

بررسی رابطه درونی‌سازی مذهبی، سلامت روانی، ناامیدی و هیجان‌طلبی محمدعلی گودرزی نشان داد: مفاهیم مذهبی می‌تواند در کاهش هیجان‌طلبی امید در افراد مؤثر باشد و از این جهت، در بحث پیش‌گیری از رفتارهای خطرآفرین به کار گرفته شود (همان، ص ۱۰۸).

۱۲. والدین باید بدانند که دلایل زیر در ترک عقاید فرزندان مؤثر است:

- عدم آگاهی و معرفت نسبت به مسائل مذهبی؛
- وجود تناقض در رفتار و کردار در گفتار و عمل والدین و مربیان؛

- اعمال روش‌های خشک و بسته در آموزش مذهبی و درخواست کورکورانه و بی‌قید و شرط؛

- وجود افسانه و خرافات و موهومات و شبهات به اسم مذهب که سبب بدنام کردن مذهب می‌شود؛

- عدم ایجاد رابطه بین دین و دانش و حتی اصرار به متضاد نشان دادن این دو موضوع؛

- تحمیل تعالیم مذهبی بدون در نظر داشتن ظرفیت جسمی و روانی فرزند؛

- عدم استدلال منطقی در این باره که وجودش برای دفاع از کیان عقیدتی هر کس ضروری است؛

- وجود تفاوت بین آنچه از لحاظ تعالیم مطرح می‌شود و عمل به آن در اجتماع و مسئولان مذهبی جامعه.

نقش باورهای دینی در عملکرد (رفتار)

تحقیقات نشان می‌دهد بین نگرش دینی و افسردگی، اضطراب و پرخاشگری رابطه منفی و معکوس وجود دارد (حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲، ص ۸۹). در مطالعه‌ای که شریفی و همکاران در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۸۱ در دانشگاه آزاد اسلامی اهواز بر روی تعداد ۴۰۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی انجام دادند، آزمودنی‌ها با پرسش‌نامه سنجه دین‌داری، افسردگی بک (BDI)، اضطراب (ANQ) و پرخاشگری (AII) مورد آزمون قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که از میان چهار بعد متغیر دین‌داری، بعد مناسکی بهترین پیش‌بینی‌کننده برای متغیر اضطراب و بعد عاطفی و بعد اعتقادی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها برای متغیرهای افسردگی و پرخاشگری هستند (شریفی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹۲).

بررسی هویت مذهبی و رابطه آن با راهبرد مقابله معنوی در نوجوانان اصفهان، توسط احد غضنفری (همان، ص ۹۷)

یافته‌های تحقیقی طاهره سهرابیان و همکاران تحت عنوان «بررسی تأثیر نگرش مذهبی بر سازگاری فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی» بر روی ۳۰۰ نفر نمونه انتخاب شده از بین دانش‌آموزان سال دوم متوسطه لرستان، نشان داد: بین نگرش مذهبی و سازگاری فردی و اجتماعی همبستگی مثبت بالایی وجود دارد (همان، ص ۸۷-۸۸) و مسئولان و برنامه‌ریزان و والدین می‌توانند با تقویت روحیه مذهبی در نوجوان از انحراف و ناسازگاری اجتماعی آنان پیشگیری کنند.

تحقیق محمدعلی زکی و فضل‌الله یزدانی تحت عنوان «نقش جهت‌گیری‌های دینی در احساس خوشبختی روانی» بر روی ۱۸۷ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی نراق نشان داد که جهت‌گیری‌های دینی در احساس خوشبختی روانی تأثیر دارد. تقوا و معنویت، پاسخ به احساس تنهایی روحی، کاهش رنج و تعب، معنا بخشیدن به زندگی، کاهش ترس از مرگ، تعادل روحی و وحدت روحی و روانی، آرامش خاطر و امیدواری، ارزش‌های معنوی و روحی، ثبات شخصیت، استواری روحی، کاهش بیماری‌های عصبی و روانی، رهایی از اسارت و تعلقات دنیوی و آثاری از این قبیل، از کارکردهای فردی باورهای دینی است (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰). پژوهش‌های انجام شده در جوامع دیگر نیز عموماً حاکی از آن هستند که ایمان و باورهای مذهبی، رفتار افراد را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهند. مور (۲۰۰۲) در پژوهشی نشان داد که نوجوانان و جوانان مذهبی نسبت به همسالان خود در زندگی دچار آسفتگی کمتری می‌شوند. همچنین آن دسته از دانش‌آموزان دبیرستانی که به صورت منظم در مراسم مذهبی و نیایش شرکت می‌کنند، در زندگی روزمره با آسیب‌های اجتماعی و روانی کمتری مواجه می‌شوند و در فعالیت‌های سازندگی بیشتر شرکت می‌کنند. نیز اعتماد به نفس، صبر، یقین به موقفیت، اعتقاد به عدل الهی در کوشش، و نظارت مستقیم او بر اعمال، رفتارها و نیات، انگیزه‌ها را منسجم و حرکت را آغاز و مرزهای نتیجه‌گیری را تعالی می‌بخشد. در این مطالعه متغیرهایی مانند: ایمان، یقین،

صبر، امر به معروف و نهی از منکر، عدل الهی، نظارت مستقیم بر نیات، اعمال، التزام عملی به انجام فرایض دینی، از جمله نماز، راز و نیاز با خدا، توسل به ائمه اطهار، اعتقاد به امدادها، توکل و... به عنوان عوامل روان‌شناختی باورهای دینی در بهبود عملکرد مورد بررسی قرار گرفته است.

الفته (۱۳۸۶) در پژوهش «بررسی راه‌های آموزش خلاق با رویکرد تعمیم و تقویت باورهای دینی (نماز) در دانش‌آموزان دبستانی دختر شهر تهران»، به این نتیجه می‌رسد که مهم‌ترین راهکار، استفاده از روش‌های غیرمستقیم، مثل فیلم، داستان، و سی‌دی‌های رایانه‌ای و... است (طبق یافته‌های جمع‌آوری شده از ۳۰ نفر از متخصصان تعلیم و تربیت) و پیشنهاد می‌کند: نزدیک نمودن ارتباط خانواده‌ها با مدرسه و برنامه‌ریزی آموزشی خلاقانه برای دبیران، موجب تعمیم باورهای دینی دانش‌آموزان خواهد شد.

شاکری‌نیا (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده»، به این نتیجه می‌رسد که خانواده‌های فاقد مذهب اساساً به غنی‌سازی پایه‌های اعتقادی فرزندان خود نیازی نمی‌بینند، درحالی‌که خانواده‌های مذهبی برای استحکام و تقویت پایه‌های اعتقادی فرزندان خود راه‌کارهایی را جست‌وجو می‌کنند تا به این وسیله، بخشی از حقوق فرزندان خود را تأمین کنند.

حسنی (۱۳۷۶) در تحقیقی، به بررسی نظرات دبیران درس دینی دوره راهنمایی شهرستان قم در خصوص میزان انطباق محتوا با اهداف کتاب‌های تعلیمات دینی و تناسب محتوای آنها برای تربیت دینی دانش‌آموزان این دوره و تأثیر این درس در تحقق اهداف عقیدتی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی پرداخت.

یافته‌ها

در این بخش، یافته‌ها براساس به ترتیب فرضیه‌ها در قالب جداول زیر ارائه شده است. فرضیه اول تحقیق عبارت بود از: «عوامل آموزشی در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان نقش مؤثری دارند» که داده‌های جمع‌آوری شده در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول ۱: داده‌های مربوط به فرضیه یک

$\sum x$	\bar{x}	N	SD	Z	CV	گویه‌ها
172	4.53	38	0.80	11.81	17.60	۱ شخصیت معلمان در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان مؤثر است.
144	3.89	37	0.74	7.36	18.94	۲ توجه به تاریخ اسلام و بازنگری در اندیشه‌های اسلامی می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان مؤثر باشد.
163	4.18	39	0.82	8.95	19.69	۳ سیاست حاکم بر مدارس می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد.
170	4.36	39	0.74	11.42	17.04	۴ دوستان نقش بسزایی در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دارند.
202	4.21	48	0.77	10.86	18.31	۵ نوع برخورد معلمان و مدیران با نوجوانان می‌تواند در گرایش آنها به باورهای دینی مؤثر باشد.
156	4	39	1	6.245	25	۶ مربیان پرورشی می‌توانند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان مؤثر باشند.
150	3.75	40	0.95	4.97	25.44	۷ بررسی زندگی‌نامه افراد با شخصیت‌های برجسته می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان مؤثر باشد.

براساس اطلاعات جدول (۱)، همه گویه‌های مربوط به عوامل آموزشی مؤثر در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان نمره Z بیشتر از Z بحرانی در سطح اطمینان ۰.۹۹ و خطای ۰.۰۱ برای آزمون تک‌گروهی (۲.۳۳) کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد همه مؤلفه‌ها از اعتبار کافی برای توسعه معنویت دانش‌آموزان برخوردار می‌باشند. همچنین میانگین نمرات تمامی گویه‌ها از متوسط میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر هستند که باز نشان‌دهنده تأثیرگذاری آنها در توسعه معنویت فراگیران است. مقایسه داده‌های مربوط به تک‌تک گویه‌ها بیانگر این است که گویه ۴ (دوستان نقش بسزایی در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دارند)، با میانگین ۴.۳۶ و انحراف معیار ۰.۷۴ و ضریب پراکندگی ۱۷.۰۴ در بهترین وضعیت در بین گویه‌ها قرار دارد و پس از آن، به ترتیب، گویه‌های ۱ (شخصیت معلمان در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان مؤثر است) با میانگین ۴.۵۳ و انحراف معیار ۰.۸۰ و ضریب پراکندگی ۱۷.۶۰ و گویه ۵ (نوع برخورد معلمان و مدیران با نوجوانان می‌تواند در گرایش آنها به باورهای دینی مؤثر باشد) با میانگین ۴.۲۱ و انحراف معیار ۰.۷۷ و ضریب پراکندگی ۱۸.۳۱ در جایگاه دوم و سوم قرار گرفته‌اند و گویه ۷ (بررسی زندگی‌نامه افراد با شخصیت‌های برجسته می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان مؤثر باشد) با میانگین ۴.۹۷ و انحراف معیار ۰.۹۵ و ضریب پراکندگی ۲۵.۴۴ پایین‌ترین موقعیت را به خود اختصاص داده است.

فرضیه دوم تحقیق عبارت بود از: «عوامل خانوادگی در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان نقش مؤثری دارند» که داده‌های جمع‌آوری شده در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول ۲: داده‌های مربوط به فرضیه دو

$\sum x$	\bar{x}	N	SD	Z	CV	گویه‌ها
173	4.44	39	0.94	9.54	21.19	۱ میزان تقید پدر و مادر به دین در شکل‌گیری باورهای دینی دانش‌آموزان مؤثر است.
176	4.63	38	0.85	11.81	18.39	۲ نحوه آموزش و شیوه زندگی افراد می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی مؤثر باشد.
175	4.49	39	0.68	13.59	15.23	۳ میزان انجام امور معنوی توسط پدر و مادر می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد.
177	4.54	39	0.79	12.17	17.40	۴ نوع تربیت خانوادگی می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی مؤثر باشد.
135	4.09	33	0.80	7.79	19.67	۵ نحوه خوب زیستن می‌تواند در تحکیم باورهای دینی مؤثر باشد.
180	4.5	40	0.72	13.25	15.91	۶ توجه و شکل‌گیری مناسب آموزه‌های دینی در دوران کودکی می‌تواند در توسعه معنویت و تحکیم باورهای دینی در بین دانش‌آموزان مؤثر باشند.
169	4.33	39	0.81	10.33	18.59	۷ رشد و تقویت اعتقادات مذهبی توسط والدین می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان مؤثر باشد.

براساس اطلاعات جدول (۲)، همه گویه‌های مربوط به عوامل خانوادگی مؤثر در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان نمره Z بیشتر از Z بحرانی در سطح اطمینان ۰.۹۹ و خطای ۰.۰۱ برای آزمون تک‌گروهی (۲.۳۳) کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد همه مؤلفه‌ها از اعتبار کافی برای توسعه معنویت دانش‌آموزان برخوردار می‌باشند. همچنین میانگین نمرات تمامی گویه‌ها از متوسط میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر هستند که باز نشان‌دهنده تأثیرگذاری آنها در توسعه معنویت فراگیران است. مقایسه داده‌های مربوط به تک‌تک گویه‌ها بیانگر این است که گویه ۳ (میزان انجام امور معنوی توسط پدر و مادر می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد)، با میانگین ۴.۴۹ و انحراف معیار ۰.۶۸ پراکندگی ۱۵.۲۳ در بهترین وضعیت در بین گویه‌ها قرار دارد و پس از آن به ترتیب گویه‌های ۶ (توجه و شکل‌گیری مناسب آموزه‌های دینی در دوران کودکی می‌تواند در توسعه معنویت و تحکیم باورهای دینی در بین دانش‌آموزان مؤثر باشد) با میانگین ۴.۵ و انحراف معیار ۰.۷۲ و ضریب پراکندگی ۱۵.۹۱ و گویه ۴ (نوع تربیت خانوادگی می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی مؤثر باشد) با میانگین ۴.۵۴ و انحراف معیار ۰.۷۹ و ضریب پراکندگی ۱۷.۴۰ در جایگاه دوم و سوم قرار گرفته‌اند و گویه ۱ (میزان تقید پدر و مادر به دین در شکل‌گیری باورهای دینی دانش‌آموزان مؤثر است)، با میانگین ۴.۴۴ و انحراف معیار ۰.۹۴ و ضریب پراکندگی ۲۱.۱۹ پایین‌ترین موقعیت را به خود اختصاص داده است.

فرضیه سوم تحقیق عبارت بود از: «عوامل رسانه‌ای در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان مؤثر است که داده‌های جمع‌آوری شده در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول ۳: داده‌های مربوط به فرضیه سه

$\sum x$	\bar{x}	N	SD	Z	CV	گویه‌ها
127	3.26	39	1.04	1.53	32.07	۱ گفت‌وگوهای دینی در رادیو و تلویزیون نقش مؤثری در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان دارند.
166	4.26	39	0.75	10.45	17.64	۲ پخش سریال‌های دینی و تاریخی در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان مؤثر هستند.
152	4	38	0.80	7.65	20.14	۳ شناخت فرهنگ گذشته و توجه به آن می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد.
140	3.5	40	1.01	3.12	28.93	۴ نشریات و مجلات می‌توانند در تحکیم باورهای دینی مؤثر باشند.
168	4.31	39	0.73	11.17	16.97	۵ عدم توجه به فرهنگ خود و توجه به فرهنگ بیگانه در رسانه‌ها نقش بازدارنده‌ای در تحکیم باورهای دینی دانش‌آموزان دارد.
163	4.18	39	0.85	8.62	20.44	۶ افزایش خود باوری و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی آنها مؤثر باشد.

بر اساس اطلاعات جدول (۳)، همه گویه‌های مربوط به عوامل رسانه‌ای مؤثر در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان به استثنای گویه ۱ (گفت‌وگوهای دینی در رادیو و تلویزیون نقش مؤثری در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان دارند)، نمره Z بیشتر از Z بحرانی در سطح اطمینان ۰.۹۹ و خطای ۰.۰۱ برای آزمون تک‌گروهی (۲.۳۳) کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد همه مؤلفه‌ها از اعتبار کافی برای توسعه معنویت دانش‌آموزان برخوردار می‌باشند. همچنین میانگین نمرات تمامی گویه‌ها از متوسط میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر هستند که باز نشان‌دهنده تأثیرگذاری آنها در توسعه معنویت فراگیران است. مقایسه داده‌های مربوط به تک‌تک گویه‌ها بیانگر این است که گویه ۵ (عدم توجه به فرهنگ خود و توجه به فرهنگ بیگانه در رسانه‌ها نقش بازدارنده‌ای در تحکیم باورهای دینی دانش‌آموزان دارد) با میانگین ۴.۳۱ و انحراف معیار ۰.۷۳

پراکندگی (۷/۱۶) در رتبه دوم و عوامل رسانه‌ای با میانگین (۳/۸۶)، انحراف استاندارد (۰/۴۲۵) و ضریب پراکندگی (۱۱/۰۱) در جایگاه سوم قرار گرفته است. تحلیل داده‌ها بر اساس آزمون تحلیل واریانس یک راهه (F) نشان می‌دهد: چون F محاسبه شده از F بحرانی در سطح اطمینان ۰/۹۹ بزرگ‌تر است، پس فرضیه صفر رد می‌شود. با توجه به معنی‌دار بودن تفاوت میانگین‌ها، با اطمینان ۰/۹۹ می‌توان نتیجه گرفت: از دیدگاه دبیران، میزان تأثیر عوامل مختلف خانوادگی، آموزشگاهی و رسانه‌ای در تحکیم ارزش‌های دینی و اعتقادات دانش‌آموزان متفاوت است.

بحث و نتیجه‌گیری

پویایی و نشاط هر جامعه، به میزان مشارکت فعالانه مردم، به‌ویژه نسل جوان آن در امور مختلف آن بستگی دارد؛ نسلی که آگاهانه و با شخصیتی توسعه‌یافته بتواند به عنوان یک شهروند مسئولیت خود را به خوبی ایفا کرده، در برخورد با مسائل و مشکلات، منطقی بیندیشد و عاقلانه در جهت حل آنها تصمیم‌گیری کند (شهریاری‌پور و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۴). عوامل مختلفی در مسئولیت‌پذیری جوانان تأثیرگذار هستند؛ دین و مذهب یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری به خود دیده است، به‌گونه‌ای که هیچ‌گاه بشر خارج از این پدیده زیست نکرده است. در واقع، هیچ فرهنگی در گذشته یافت نمی‌شود که دین در آن، نقش نداشته باشد و تصور نمی‌شود در آینده نیز غیر از این باشد. مطالعه انسان، فهم و درک این نکته را برای ما ممکن می‌سازد که نیاز به نظام مشترک جهت‌گیری و مرجع اعتقاد و ایمان دارای ریشه عمیق در وضعیت زیستی انسان است. اگر فرد و جامعه‌ای دیندار و دین‌مدار باشد و پایه و ریشه دین را در شئون مختلف حفظ کند، فضایی در کارشان ایجاد می‌شود که اصلاح‌شدنی و رشدیافتنی است و حتی اگر کمبودی در کار باشد، جبران‌پذیر و رو به کمال است (خسروانیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸). از اهداف اصلی

پراکندگی ۱۶.۹۷ در بهترین وضعیت در بین گویه‌ها قرار دارد و پس از آن به ترتیب گویه‌های ۲ (پخش سریال‌های دینی و تساریخی در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان مؤثر هستند) با میانگین ۴.۲۶ و انحراف معیار ۰.۷۵ و ضریب پراکندگی ۱۷.۶۴ و گویه ۳ (شناخت فرهنگ گذشته و توجه به آن می‌تواند در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد) با میانگین ۴ و انحراف معیار ۰.۸۰ و ضریب پراکندگی ۲۰.۱۴ در جایگاه دوم و سوم قرار گرفته‌اند و گویه ۱ (گفت‌وگوهای دینی در رادیو و تلویزیون نقش مؤثری در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان دارند) با میانگین ۳.۲۶ و انحراف معیار ۱.۰۴ و ضریب پراکندگی ۳۲.۰۷ پایین‌ترین موقعیت را به خود اختصاص داده است.

فرضیه چهارم تحقیق عبارت بود از: میزان تأثیر عوامل مختلف خانوادگی، آموزشگاهی و رسانه‌ای در تحکیم ارزش‌های دینی و اعتقادات دانش‌آموزان متفاوت است که داده‌های جمع‌آوری شده در جدول (۴) و (۵) ارائه شده است: جدول ۴: اطلاعات مربوط به فرضیه چهارم

مؤلفه‌ها	\bar{X}	S	CV	R
عوامل خانوادگی	۴/۳۸	۰/۲۴۶	۵/۶۲	۱
عوامل آموزشگاهی	۴/۱۰۴	۰/۲۹۴	۷/۱۶	۲
عوامل رسانه‌ای	۲/۸۶	۰/۴۲۵	۱۱/۰۱	۳

جدول ۵: خلاصه جدول تحلیل واریانس یک راهه

منابع تغییرات	SS	DF	MS	F
گروه‌ها	۰/۸۸	۲	۰/۴۴	۶۲/۸۶
واریانس بین گروه‌ها	۱/۱۲	۱۷	۰/۰۰۷	
واریانس درون گروه‌ها	۱	۱۹	-	

جدول (۴) و (۵) وضعیت نمرات مربوط به تأثیر عوامل مختلف خانوادگی، آموزشگاهی و رسانه‌ای بر توسعه و تحکیم معنویت و باورهای دینی در دانش‌آموزان از دیدگاه دبیران را نشان می‌دهد. داده‌ها گویای این است که بیشترین میانگین (۴/۳۸) مربوط به عوامل خانوادگی است که با انحراف استاندارد (۰/۲۴۶) و ضریب پراکندگی (۵/۶۲) در جایگاه اول قرار گرفته است و پس از آن عوامل آموزشگاهی با میانگین (۴/۱۰۴)، انحراف استاندارد (۰/۲۹۴) و ضریب

و رسانه‌ای در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان متفاوت است و بر اساس روش‌های آماری، تأثیر عوامل خانوادگی بیشتر از عوامل آموزشگاهی و آن‌هم بیشتر از عوامل رسانه‌ای، موجب تحکیم معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان می‌شود که با یافته‌های حسنی (۱۳۷۶) تا حدی تناسب دارد. ثالثاً، از عوامل خانوادگی میزان پابندی والدین به معنویات و انجام امور معنوی و شکل‌گیری مناسب آموزه‌های دینی در دوران کودکی و نوع تربیت خانوادگی به همراه نحوه آموزش، شیوه زندگی افراد و از عوامل آموزشگاهی تأثیر دوستان و همسالان و شخصیت معلمان، و از عوامل رسانه‌ای توجه به فرهنگ خودی در برنامه‌ها و پخش سریال‌های دینی و تاریخی، افزایش خودباوری و اعتماد به نفس دانش‌آموزان به ترتیب، از مهم‌ترین راه‌کارها برای توسعه و تحکیم ارزش‌های دینی شناخته شدند.

پیشنهادها

در پایان، پیشنهادهایی در این زمینه ارائه می‌شود:

۱. انجام نیازسنجی واقعی در مورد تربیت اخلاقی جوانان، نوجوانان و کودکان، برای طراحی، تولید و نمایش برنامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به منظور دسترسی به آموزش‌های غیرمستقیم، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.
۲. برنامه‌ریزی و انجام تحقیقات گسترده میدانی برای آسیب‌شناسی مسئله باورهای دینی از ابعاد مختلف روان‌شناختی و تربیتی، در ریز موضوعات مختلف خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، مؤسسات و نهادها، الگوها و... و دسترسی به راه‌کارهای مناسب، عملی و مؤثر با مشارکت گروه‌های مختلف دانش‌آموزی و دانشجویان، نه تنها در تعمیم مسئله به جامعه تسریع‌کننده است، بلکه زاویه تصمیم‌گیری برای بهینه‌سازی راه‌کارها را عملیاتی‌تر و واقعی‌تر می‌کند. تدویم تحقیقات کتابخانه‌ای و مبتنی بر دیدگاه محققان، راه کاملاً مؤثری نخواهد بود.

تأسیس حکومت اسلامی، تربیت افراد متدین و مؤمن و پایبند به ارزش‌های اسلامی است و تربیت جوانان و نوجوانان، به نحوی که بتوانند در دنیای پرآشوب و پرفرازونشیب امروز بیانگر و فریادگر ارزش‌های اسلامی و اصول انسانی در دنیا باشند. در همین زمینه، دانش‌آموزان، به عنوان محور بالندگی، توسعه و رشد فضای آموزشی کشور، می‌بایست بتوانند مسئولیت ساخت چنین جامعه‌ی توسعه‌یافته، توأم با ارزش‌های اسلامی را بر عهده‌گیرند. از سوی دیگر، با توجه به فلسفه مسلط اجتماعی حاکم بر جامعه اسلامی ایران، یکی از کارکردهای اصلی آموزش و پرورش، به عنوان فعالیتی مداوم، جامع، برای همه، برای رشد و تکامل انسان، غنای فرهنگ و تعالی جامعه و در راستای حفظ، انتقال، ارزش‌گذاری و توسعه فرهنگ دینی و ارزشی، از طریق تربیت دینی و تحکیم آموزه‌های معنوی است؛ امری که نه تنها به ماهیت آموزش و پرورش، منابع فنی (دانش و فناوری)، ساختار نظام آموزشی، طبیعت فراگیری انسان، سطح رشد و توسعه، سرمایه‌گذاری، رفاه و عدالت اجتماعی، محیط آموزش و پرورش، عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی، توزیع، ضریب کوشش و نیروی انسانی از جمله کمیت، کیفیت، تخصص و... بستگی دارد، به عوامل فرهنگی، اقتصادی و جو عاطفی خانواده و رسانه‌های ارتباط جمعی از قبیل تلویزیون، رادیو، مطبوعات و... نیز مربوط است و یقیناً مشارکت همگانی در این مهم، زمینه را برای داشتن انسان‌های سالم از نظر جسمانی و روانی و کاربرد و دلسوز و متعهد به ارزش‌های دینی و فرهنگی مهیا کرده، مهم‌ترین رکن توسعه پایدار و همه‌جانبه را کامل می‌نماید.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد: اولاً، عوامل مختلف خانوادگی، آموزشگاهی و رسانه‌ای در توسعه معنویت و تحکیم ارزش‌های دینی و اعتقادات دانش‌آموزان تأثیر دارند که با یافته‌های الفتنه (۱۳۸۶)، شاکری‌نیا (۱۳۸۳) تا حدی توافق دارد. ثانیاً، میزان تأثیر عوامل خانوادگی، آموزشگاهی

۹. تأسیس و تقویت نشریات و ویژه دانش‌آموزان با رویکرد دینی (به شکل نامحسوس)، تبیین و تشریح اثرات دین و دین‌مداری بر رشد و پیشرفت علمی، فرهنگی، فراهم آوردن زمینه تعامل اولیا و مربیان در مدارس در بستر بهینه‌سازی فرایند تربیت دینی و توسعه ارزش‌های اخلاقی در بین دانش‌آموزان، توجه خاص به فضای فرهنگی حاکم بر مدارس و نقش مؤثر اولیای آن در ارائه الگوی رفتاری نظام‌مند و هماهنگ مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و اسلامی، برقراری ارتباط مناسب بین مدارس و مساجد (همجوار).

۱۰. استفاده از ابزار هنر در ترویج باورهای دینی، استفاده صحیح و مناسب از ابزار و شیوه‌های جدید (از جمله: فیلم، انیمیشن، تئاتر و...).

۳. تحکیم باورهای دینی و فرهنگ و ارزش‌های آنها، نیازمند آموزش مستقیم و غیرمستقیم خانواده‌ها، مربیان و حتی مدیران نهادهای اجتماعی و فرهنگی است و یقیناً برگزاری کارگاه‌های آموزشی و کلاس برای متولیان فرهنگ، به‌ویژه در مورد فلسفه، ماهیت و نقش تحکیم باورهای دینی و مهم‌تر از آن، روش‌های صحیح و مبتنی بر روان‌شناسی در برخورد با فراگیران، می‌تواند در بسط زمینه‌های عملی آن بسیار مؤثر باشد.

۴. تبدیل کردن باورهای دینی به یک باور عمومی در بین مربیان و مسئولان نهادهای فرهنگی - تربیتی و التزام عملی آنان در حفظ و صیانت واقعی و دلسوزانه و مبتنی بر هوش هیجانی (نه وظیفه‌محور، اداری و مبتنی بر هوش ادراکی) یقیناً در تحکیم باورهای دینی بسیار مؤثر خواهد بود.

۵. تنوع بخشی به برنامه‌های فرهنگی - تربیتی و استفاده از ظرفیت‌های انسانی غنی جامعه و آگاه به مسائل اجتماعی و جلوگیری از نگاه بخشی و واگذاری کار تحکیم باورهای دینی فقط به عنوان یک کار سازمانی می‌تواند راهگشا باشد.

۶. تحکیم باورهای دینی به عنوان یک ارزش اسلامی - ایرانی، باید از کانون خانواده آغاز شود. در این زمینه، ارتقای بینش عمومی خانواده‌ها در آثار، فواید، فلسفه وجودی، کارکردهای اجتماعی و تبیین آثار مخرب فقدان آن نقش تعیین‌کننده‌ای در تحکیم باورهای دینی فرزندان خواهد داشت.

۷. پرهیز از برخورد تحکم‌آمیز در خصوص رعایت شئون اسلامی و تکالیف شرعی، به‌ویژه به منظور مشارکت دادن دانش‌آموزان در نمازهای جماعت، سخنرانی‌ها و مراسم و مناسبت‌های مذهبی.

۸. بهره‌گیری از معلمان باتجربه، آگاه و دلسوز به منظور تدریس دروس دینی و رفع مشکلات معیشتی و ایجاد زمینه‌های تحقیقاتی و مطالعاتی معلمان و مربیان آموزش و پرورش و حمایت‌های تشویقی (مادی و معنوی) از معلمان خلاق و مبتکر.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، تهران، آفرینه.
 آذربایجانی، مسعود و سیدمهدی موسوی اصل، ۱۳۸۵، **درآمدی بر روان شناسی دین**، تهران، همت.
 اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۸۳، **زمینه روان شناسی هیلگارد**، ترجمه رفیعی و همکاران، تهران، ارجمند.
 احمدی، علی اصغر، ۱۳۸۶، **روان شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی**، تهران، امیرکبیر.
 الفته، شهربانو، ۱۳۸۶، **بررسی راه های آموزش خلاق با رویکرد تعمیق و تقویت باورهای دینی (نماز) در دانش آموزان دبستانی دختر شهر تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
 بتیس، بلاک، ۱۳۷۵، **انسان شناسی فرهنگی**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی و فرهنگی.
 تیلور، رالف و دیگران، ۲۰۰۰، **برنامه درسی مدارس**، ترجمه فریده مشایخ، تهران، آگاه.
 حسینی، سیدجواد، ۱۳۷۶، **بررسی میزان انطباق محتوا با اهداف کتاب های تعلیمات دینی دوره راهنمایی تحصیلی سال ۷۶-۷۵ در شهرستان قم**، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲، **دین داری و نقش آن در آسایش روانی**، قم، حوزه و دانشگاه.
 خسروانیان، حمیدرضا و همکاران، ۱۳۹۲، «تحلیل نقش دین داری در تعالی معنویت در محیط کاری کارکنان»، **پژوهش های مدیریت عمومی**، دوره نهم، ش ۳۲، ص ۱۱۵-۱۶۸.
 داودی، محمد، ۱۳۸۵، **نقش معلم در تربیت دینی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 رحمان دوست، مصطفی، ۱۳۷۱، **تحلیلی بر وضعیت تربیت دینی معاصر ایران**، همایش جایگاه تربیت در آموزش و پرورش.
 سادئی، علی، ۱۳۷۴، **ویژگی های دبیر دینی مطلوب و نقش او در شکل گیری هویت دینی دانش آموزان**، مجموعه مقالات چهارمین سمپوزیوم جایگاه تربیت، نقش تربیتی معلم، تهران، تربیت.
 سالاری فر، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۴، **مبانی نظری مقیاس های دینی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 سرمدی، محمود، ۱۳۸۵، «بررسی رابطه بین دین داری با بازده های تربیتی دانش آموزان متوسطه»، **پژوهش های تربیت اسلامی**، سال دوم، ش ۲، ص ۸۵-۵۷.

شاکری نیا، ایرج، ۱۳۸۳، «رابطه استرس شغلی و تاب آوری با فرسودگی شغلی پرستاران»، **مجله علوم پزشکی کرمانشاه**، دوره چهارم، ش ۲، ص ۱۶۱-۱۶۹.
 شریفی، طبیبه و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه بین هویت های دینی و ملی با سلامت روانی دانشجویان»، **یافته های نو در روان شناسی**، ش ۷، ص ۱۲۵-۱۴۲.
 شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۸۶، **روان شناسی رشد ۱**، مشهد، آستان قدس رضوی.
 شکوهی، غلامحسین، ۱۳۷۴، **تعلیم و تربیت (کمانت)**، چ چهاردهم، تهران، دانشگاه تهران.
 شهریار پور، رضا و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه میان نگرش و التزام عملی به نماز با مسئولیت پذیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه های شهر سمنان»، **فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، دوره سوم، ش ۶، ص ۶۱-۸۲.
 عظیمی، سیروس، ۱۳۷۴، **روان شناسی کودک**، تهران، معرفت.
 قائمی، علی، ۱۳۷۱، «روزآمد کردن تربیت»، **پیوند**، ص ۳۶-۳۹.
 کی نیا، مهدی، ۱۳۵۷، **مبانی جرم شناسی**، تهران، دانشگاه تهران.
 لطف آبادی، حسین، ۱۳۷۹، «نظریه پردازی و آزمون سازی برای سنجش رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان براساس فلسفه خردگرایی مینوی و علمی»، **روان شناسی کودک و نوجوان**، نسخه ۱، ص ۱۲۱-۱۳۹.
 مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، **بحارالانوار**، بیروت، دارالفکر.
 هیک، جان، ۱۳۷۲، **فلسفه دین**، ترجمه بهرام راد، قم، الهدی.

Frankel, V.E, 1975, *Meaning Therapy*, New York, Weily Intc.